بررسی روایت «كف عن هذه القراءة اقرأ كما يقرأ الناس حتى يقوم القائم»

شاگرد: تعبیر «حتی یقوم القائم عج» که در روایت آمده مویدِ بحث تحریف نیست؟

استاد: نه، مرحوم حکیم جواب را دادند. حضرت فرمودند این قرائت را نخوان، «اقرأ کما یقرا الناس فسیجیء من یعلمکم کما انزل». لذا این حرف را نگفتند. یعنی «کف عن هذه القرائة»، ولو این قرائت هم از قرائاتی است که هست. ولی این را نخوان تا زمانیکه حضرت بیایند که آن وقت کما انزل را میخوانند. یکی از آنها همین است که تو الآن میخوانی و من به تو گفتم که نخوان.

شاگرد: اینکه مجاز است بخواند... .

استاد: مجاز نیست. حضرت او را نهی کرده است.

شاگرد: شما میفرمایید وقتی حضرت میآیند چه چیزی را برای آنها میخواند؟

استاد: کما انزل را میخواند. یعنی تمام حروف سبعه را میآورد. آن چه که او میخواند و معروف نبود، ممنوع است.

شاگرد: یعنی جزء غیر متواترها بوده که او می خوانده؟

استاد: بله، داشت محضر حضرت قرائتی را میخواند؛

> قرأ رجل على أبي عبد اللّٰه (عليه السلام)- و انا استمع- حروفا من القرآن ليس على ما يقرأها الناس؟ فقال أبو عبد اللّٰه (عليه السلام) كف عن هذه القراءة اقرأ كما يقرأ الناس حتى يقوم القائم. الحديث[1]

ببینید چقدر روشن است. «لیس علی ما یقرأ الناس». یعنی قرائتی را میخواند که مردم نمی خواندند.قاعدتا آن را از اصحاب نفی نکردند. گفتند این را نخوان، بگذار وقتش برسد.

شاگرد: وقتی وقتش برسد چه اتفاقی میافتد؟

استاد: یعنی آن وقت دیگر میتوانی این قرائت مکفوفه را بخوانی. نه اینکه وقتی میگوید «لایقرأ الناس»، یعنی دیگر نمیتوانی بخوانی. مگر روی ذهنیت ما که حرف واحد را بد معنا

می‌کنیم.

شاگرد: این قرائتی که می خوانده غیر متواتر بوده.

استاد: بله.

شاگرد: خب وقتی حضرت می‌آیند می‌گویند این را بخوان؟

استاد: می‌گویند این را هم بخوان. تا حال مکفوف بود، از این بعد دیگر بخوان. غیر متواتر بود که هیچ، از خواندش هم ممنوع بود.

شاگرد: یعنی حضرت می‌آیند و می‌گویند متواتر هست؟

استاد: می‌گویند که این آیه قرآن است.

شاگرد: یعنی قرآن متواتر را به مسلمین می‌دهند.

استاد: نه، نمی‌گویند قرآن متواتر است، حضرت می‌فرمایند «یعلمکم کما انزل». همانطوری که واقعیت قرآن است.

شاگرد: تمام قرائات را می‌گویند.

استاد: بله.

شاگرد: چه بسا قرائاتی که قبلاً شاذ بوده را هم می‌گویند. چون همه می‌توانند بخوانند.

استاد: همینطور است. الآن هم در مصحف امیرالمؤمنین هست. چون حضرت همه را جمع کردند. ولی چیزی نیست که داده باشند.

شاگرد۲: حضرت حقیقت نازله آن را فرموده‌اند اما وقتی ظهور می‌شود حضرت حقیقت بالاتری از همین قرآن را بیان می‌کنند. هر دوی آن‌ها هم درست است.

استاد: نه، فرمودند «کف عن هذه القرائة». حقیقت بالاتر را که نمی‌توانند بخوانند. باید آن را درک کنند. یک آیه را بخوانند و حقیقت بالاتر را درک کنند. او داشت آیه را می‌خواند که مردم طبق آن حروف نمی خواندند. نه اینکه مردم اصلاً آیه را نمی خواندند. حروف و قرائات را به آن نحو نمی خواندند. حضرت فرمودند «کف عن هذه القرائة»؛ فعلاً این قرائت را نخوان. چرا؟ چون «لیس یقرأ الناس». مردم نمی خوانند. به تعبیر شیخ طوسی فعلاً شما «ما جاز بین القراء» را بخوانید. یعنی یک قرائت غیر مجاز داریم که سند ندارد و از جیب شخصی در آمده است. یک قرائت مجاز داریم. در بلادی که بوده متواتر بوده و سند داشته. با این تواتر به آن می‌رسید. تعبیر «بما جاز بین القراء» به این معنا است که فعلاً این را بخوان. «کف عن هذه القرائة».

شاگرد: وجه «کف» تقیه است؟

استاد: اینطور که بخواهم تأیید کنم تقیه بوده، نه. ملحوظاتی بود که می‌توانند تقیه هم باشد ولی بالاتر از آن است. چرا عرض می‌کنم که فقط تقیه نبود؟ به‌خاطر اینکه خود صاحب حدائق همان جا گفت، مرحوم محدث نوری در فصل الخطاب، هزار و پانزده حدیث می‌آورند. از اول قرآن تا آخر قرآن ائمه علیهم‌السلام راجع به شخص آیات، قرائت دیگری آورده‌اند. خب اگر قرار باشد تقیه ای باشد که این همه وارد نمی‌شد. پس معلوم می‌شود اینکه حضرت فرمودند «کف»، ملاحظه دیگری دارند.

یعنی فضا، فضای خیلی دقیق و غامضی است. گمان نمی‌کنم که صرف تقیه باشد. چون جالب این است که اهلسنت در قرن اول و دوم، غیر از این‌که روی قرائات متواتره خیلی جدیت داشتند، ولی قائل به سبعه احرف هم بودند. یعنی می‌گفتند تو فارسی بخوان و برو. او می‌گفت نقل به معنا بکن و برو. این بین آن‌ها بود. یعنی فضای تقیه که الآن به ذهن ما می‌آید، آن‌ها خودشان شدیدتر از این بودند که ما بترسیم. خیلی باز رفتار می‌کردند. یعنی حال ترسی نبود که بگوییم این‌که حضرت فرمودند «کف» یعنی «للتقیه».

این‌ها شوخی نیست! بعد از سال سیصد ابن شنبوذ آن هم با سند سنی، در بغداد نماز جماعت می‌خواند که «لقد نصرکم الله ببدر بسیف علی». در تفسیر قرطبی هست. این‌ها را شیعه نمی‌گوید. در یک روایت شیعه نیست. سنی ها دارند. وقتی آن زمان این را می‌خواندند، آن وقت مشکلی داشت که صد و پنجاه سال قبل از ابن شنبوذ، صد و هفتاد سال قبل از ابن شنبوذ، یک شیعه قرائتی بکند که موافق با آن‌ها نباشد؟! یعنی می‌خواهم عرض کنم که احتمال تقیه بسیار پایین است.

---

[1] الكافي (ط - الإسلامية)، ج۲، ص: ۶۳۳

بازبینی #2
ایجاد شده 2 مه 2024 08:03:03 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 ژوئن 2024 07:29:44 توسط ... .